

<p><b>حدیث روز:</b></p> <p>از امام حسن(ع) سؤال شد: مردانگی چیست؟ فرمود: حفظ دین، حفظ عزت نفس، نرم رفتاری، تداوم نیکی، پرداخت حقوق و اظهار دوستی نسبت به مردم.</p>	<p><b>واحه:</b></p> <p>یک دم خوش را هزاران آه حسرت در قفاست</p> <p>خرج پیش از دخل باشد در دیار زندگی</p>
<p><b>اوقات شرعی:</b></p> <p>اذان ظهر: ۱۲/۱۶</p> <p>اذان مغرب: ۱۷/۴۴</p> <p>اذان صبح (فردا): ۵/۴۲</p> <p>غروب آفتاب: ۲۳/۵۵</p> <p>نیمه شب شرعی: ۲۳/۳۳</p> <p>طلوع خورشید(فردا): ۷/۰۹</p>	



<p><b>حاجی سید تو کشتن ...</b></p>	<p><b>کیوان می‌گوید</b>دو مال سه چهار سال پیش است. محمد می‌گوید سوخته، ارزش ندارد ضریب دادن است. من اما از دیشب‌روی مخم‌رفته. کاریش هم نمی‌شودکرد.</p>
<p><b>حامد عسگری</b></p> <p>شاعر و نویسنده</p>	<p><b>کیوان می‌گوید</b>دو سال سه چهار سال پیش است. محمد می‌گوید سوخته، ارزش ندارد ضریب دادن است. من اما از دیشب‌روی مخم‌رفته. کاریش هم نمی‌شودکرد.</p>

در همین فکر و خیال‌هایم که بنویسم و ننویسم و چگونه بنویسم که یک‌کانال اخبار، خبری با عکس رونالدو منتشر می‌کند که یک شرکت گردشگری سعودی به او گفته شش میلیون یورو بگیر بیا چند روزی مهمان ما باش و از حضورت فیلم و عکس تهیه کنیم تا مردم جهان تشویق شوند بیایند اینجا اما رونالدو قبول نکرده است. بله شش میلیون یورو ...

بازیگری که ده‌ها بار در فیلم‌ها و سریال‌ها شهید شده و روحانی بوده و دست جوانان دین‌گیز را می‌گرفته، می‌آید جلوی دوربین و از لا یاف استایل خانه‌های منطقه فلان در دبی حرف می‌زند و می‌گوید بروید آنجا و آپارتمان بخريد و از زندگی لذت ببرید. مهم‌ترین بخش تبلیغش هم آنجاست که می‌گوید: بچه‌ها توتم دعائون می‌کنن.... در فیلم تختی، صحنه‌ای هست که وی رفته به گلفروشی رفیقش و او یک شیشه عسل می‌گذارد جلوی تختی و می‌خورند و بعد می‌گوید «صاحب شرکتش گفته عکس تو را چاپ کنیم روی شیشه‌ها و فلان مقدار بگیر و تختی می‌گوید بعد مردم فکر می‌کنند من هر صبح از این عسل‌ها می‌خورم که تختی شدم و کسی که ندارد، دلش می‌شکند...»

بازیگری اسمش رویش است، بازی می‌کند. نمی‌شود از فریب‌ز عرب نیا توقع داشت با اسب و لباس رزم و شمشیر حمایل کرده بیاید و در اتوبان مدرس تاخت ببرد تا به زیربان برسد. اما آقا سید شما یک جمله‌ای دارید که می‌گوید حاجی سید تو کشتن ... بله شما را کشتند، ولو سه چهارسال پیش ... شمایی که چند ده بار درآه این خاک و مرز، شهید شده‌اید ترویج و تشویق به خروج ارز از این مملکت و ملک خریدن در کشوری دیگر درشان شما نبود... خدا کند پول خوبی گرفته باشید ...

# ج‌ا‌م‌ج‌ا‌م

یکشنبه ۵ بهمن ۱۳۹۹ | ۱۶ جمادی الثانی ۱۴۴۲ | ۲ صفحه | سال بیست و یکم - شماره ۵۸۶۱ | استان تهران و البرز | ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | January 24, 2021 - Sunday

**وضعیت آب و هوای امروز**



**حکمت ۳۶۴:**

از آنچه هنوز رخ نداده، مپرس که آنچه رخ داده برای مشغول ساختن تو کافی است.



طاهره آشنایی روزنامه‌نگار

مولانا که استاد خوب زندگی کردن و حال خوب است، دریکی از باغیاتش می‌گوید: این نکته رمز اگر بدانی دانی / هر چیزی که

در جستن آنی آنی ما همان چیزی هستیم که انتخاب می‌کنیم، انتخاب‌های کوچ و بزرگ. آنها که به اصل زندگی مربوطند یا به حاشیه‌ها و جزئیات زندگی. اما با هر انتخاب کوچک و بزرگ، ماهیت خود را نشان می‌دهیم این‌که دنبال چه هستیم و از زندگی چه می‌خواهیم. آرزوها و رویاهایمان چیست و حتی ناکامی‌ها و دلزدگی‌هایمان. خوش‌بینیم یا بدبین. امیدواریم یا ناامید. در تاریکی شمع روشن می‌کنیم یا میان روشنایی‌ها، پرده را می‌کشیم و روزنه‌ها را نیز می‌بندیم تا در سیاهی زندگی کنیم.

این روزها، روزهایی که مدت‌هاست شروع شده و با شیوع کرونا اوج گرفته، اخبار بد مثل ابری سیاه همه زندگی ما را پوشانده. رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی از صبح تا شب و حتی نیمه‌های شب وقتی گمان می‌کنیم همه خوابند، اخبار بد را به ما تزریق می‌کنند: اخباری که نشان می‌دهد زندگی چقدر سخت است و قرار است سخت‌تر هم شود و باید با روزهای روشن خداحافظی کرد. مصداق همان ضرب‌المثل قدیمی، سال سال دریغ از پارسال. خلاصه این که شرایط سخت و بد است و قرار است بدتر هم شود. رسانه‌ها انگار ذره‌بینی دست گرفته‌اند و همه جا را می‌جویند تا بدترین خبر را بیابند، آن را بزرگ کنند و به خورد ما دهند. در چنین شرایطی پیدا کردن خبر خوب و انتشار آن هنر است؛ هنری که باید ترویج شود و گسترش پیدا کند تا زندگی به مسیر سالم خود برگردد تا جان زندگی بی‌جان نشود.

سرور رجایی می‌گوید: من تا سال ۷۳ در کابل بودم و زندگی در افغانستان را تجربه کرده‌ام. راستش را بخواهید رسانه‌ها فقط اخبار بد این کشور را منتشر می‌کنند، طوری که الان همه جهان افغانستان را به عنوان کشوری که فقط در آن جنگ است و کشتن و خون می‌شناسند. اما

بامحمدسرور رجایی، شاعر افغانستانی هم صحبت شدم تا برایمان از حال خوب و پیداکردن آن بگویم. او زاده و بزرگ شده افغانستان است؛ کشوری که به تصور ما شرایط زندگی در آن بسیار سخت است. با او هم صحبت شدم تا برایمان بگویم در سرزمین افغانستان چگونه خوبی‌ها را پیدا کرده و شاعر شده.

**اخبار بد به جان آدمیان افتاده است** سرور رجایی می‌گوید: من تا سال ۷۳ در کابل بودم و زندگی در افغانستان را تجربه کرده‌ام. راستش را بخواهید رسانه‌ها فقط اخبار بد این کشور را منتشر می‌کنند، طوری که الان همه جهان افغانستان را به عنوان کشوری که فقط در آن جنگ است و کشتن و خون می‌شناسند. اما



اهالی فرهنگ و هنر در زمانی که من آن را سلطه رسانه‌ها می‌نامم، رسانه‌هایی که کاری جز پمپاژ خبر بد ندارند باید به جای سکوت و تن دادن به انباشت اخبار بد، با شعر، داستان، عکس، گرافیک، فیلم و با همه ابزار هنری و فرهنگی به کمک مردم بیایند و حال خوب را به آنها نشان دهند. حتی اگر شده با کمی رنگ روی بوم نقاشی یا یک عکس خوش آب و رنگ. به نظر هنرمندان در ازدحام اخبار بد هنرمندان دچار خودسانسوری شده‌اند. آنها عادت کرده‌اند امید و شادی را در خود سانسور کنند. وقتی اینها در دل آدمی از بین برود یا مخفی شود، در هنر او نیز نمی‌تواند بروز پیدا کند. تصور این است که اگر از تلخی‌ها و سیاهی‌ها بگویم بهتر است تصور غلطی است. هنرمند واقعی کسی است که میان سیاهی‌ها، نور را نشان دهد. مگر نه این است که پایان شب سیاه، سفید است. مگر نه این است که هر شبی هرچقدر تاریک به سحر می‌رسد، نور سحر و روشنایی را که نمی‌توان نادیده گرفت و کتمان کرد. هر چقدر هم روزگار سخت باشد و شرایط دشوار روزهای روشن درآهند، پس بهتر است ما پیام‌آور دوستی، مهربانی، شادی و امید باشیم.

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداسیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤؤل: مهدی عرفاتی

شاپا: ۳۶۳۷-ISSN1۷۳۵

پایگاه اطلاع‌رسانی: [www.jamejamdaily.ir](http://www.jamejamdaily.ir)

پست الکترونیکی: [info@jamejamdaily.ir](mailto:info@jamejamdaily.ir)

تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۱۹

تلفن: ۰۲۱-۳۳۰۴۰۰۰ | دوزنگار تحریریه: ۲۲۲۶۶۲۵۲

سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کدپستی: ۱۹۱۶۱۸۴۱۳

مور مشترکین: ۴۴۲۹۳۰۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰

شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۳۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

چاپ: چاپخانه روزنامه جام‌جم

هیجان دروغین باشد. در چنین اوقاتی باید به شخصیت‌های فرهنگی و اماکن فرهنگی پناه ببریم تا حالمان را بهتر کنیم و نگذاریم سیاهی همه روحمان را تسخیر کند. باید با اهل خانواده و دوستان و رفیقانی که به ما نزدیکند و مانند ما فکر می‌کنند بیشتر وقت بگذرانیم.

**حال همه ما خوب است...**

این شاعر و پژوهشگر می‌گوید: رسانه‌ها دانقه مردم را تغییر داده و ما را به پیگیری اخبار بد عادت داده‌اند. حالا اگر از کسی بپرسی حالت چطور است، چه خبر؟ می‌گوید بدنیستم نمی‌گوید: خوبم. به‌جای این‌که از احوالات خودش بگوید از زندگی‌اش، از این‌که چه نعمت‌هایی برای شکرگزاری دارد، از اخبار سوریه و عراق و افغانستان و... می‌گوید. حالا دیگر مردم بیشتر از آن‌که دنبال اخبار شادی‌آور باشند و اتفاقاتی که امید به زندگی را بیشتر می‌کند از تعداد انفجارات کشورهای منطقه خبر دارند و این‌که در روز در کشورهای همسایه چه تعداد آدم کشته می‌شوند. این در حالی است که حتی در افغانستانی که به باور بیشتر مردم کشور خون است و کشتار و محله‌های انتحاری، زندگی در جریان است و مردم میان همه سختی‌ها تلاش می‌کنند بخش خوب و امیدآفرین را هم به میانه زندگی بیاورند و میان گریه‌ها و ناخوشی‌ها، بخندند و حال خود را خوب کنند.

**روح آدمی در پی امیداست**

از این شاعر درباره مبلمان شهری و تبلیغات و رنگ‌آمیزی شهری و تأثیرش بر احوالات آدم‌ها می‌پرسم. می‌گوید: به نظر درو دیوار شهر و این‌که چه رنگی دارد و بر آن چه نوشته می‌شود بر حال مردمان تأثیر مستقیمی دارد. شهرداری‌ها، مسؤول شهر هستند و این‌که از چه‌المان‌ها و نشانه‌هایی برای ترویج حال خوب استفاده کنند و برای بهتر کردن حال شهرها باید از اهالی فرهنگ مشاوره بگیرند. بر این باورم که مردم برای داشتن حال خوب می‌توانند حال خوب و رنگ و لعاب خوشرنگ و شادی‌بخش و امیدآفرین را از شهرداری‌ها مطالبه کنند. باید روحیه انتقادگری در مردم و انتقادپذیری در مسؤولان بالا برود و شهرداری‌ها به کمک اهل فرهنگ و هنر، حال و هوای شهرها را از یاس و ناامیدی به سمت امید و شادی تغییر دهند. این یک شعار نیست که ذات آدمی به دنبال حال خوب و امید و شادی است. ما با امید به دنیا می‌آییم و روح و قلبمان همیشه برای لختی حال خوب می‌تپد. اگر شعری تلخ باشد و در کنارش بیٹی امیدآفرین و شادی‌آفرین، ما دومی را انتخاب می‌کنیم. ما ذاتا از کسالت و سیاهی فراری هستیم. هر چقدر هم رسانه‌ها ما را با اخبار بد بمباران کنند، اما باز هم نور حتی اگر از روزنه‌ای بتابد ما میان همه سیاهی و کدورت چشم به همان نور باریک می‌دوزیم، چون با نور داریم امید در روشنایی است که می‌آید و جا خوش می‌کند و می‌ماند. ﷻ

**امروز در تاریخ:**

انتخابات نخستین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران و انتخاب ابوالحسن بنی‌صدر (۱۳۵۸ش)

آغاز انقلاب مصر با هدف سرنگونی حسنی مبارک (۱۳۸۹ش)

درگذشت وینستون چرچیل، سیاستمدار و نخست‌وزیر پیشین انگلستان (۱۹۶۵م)



یکی از اهالی انگلستان که به آداب دانی و پرستیز اجتماعی و قورت دادن عصا مشهورند- وارد رستورانی در پاریس شد و پشت میزی نشست و سفارش غذا و مخلفات داد و منتظر رسیدن غذا

شد. او پس از دقایقی پیشخدمت بستوران را صدا کرد و گفت: ببخشید آقا از شما سوالی دارم. پیشخدمت گفت: بفرمایید. مرد انگلیسی گفت: آن آقا را که آنجا کنار بخاری نشسته و سیگاری روشن کرده و از پنجره به بیرون نگاه می‌کند، می‌شناسید؟ پیشخدمت نگاهی به مرد کنار بخاری کرد و گفت: خیر. شخص انگلیسی سری به علامت تأسف تکان داد و گفت: لطفا مدیر سالن را به من معرفی کنید. دقایقی بعد مدیر سالن نزد مرد انگلیسی آمد و گفت: چه کمکی از من ساخته است؟ مرد انگلیسی گفت: شما آن آقا را که آنجا کنار بخاری نشسته و سیگار می‌کشد و از پنجره به بیرون نگاه می‌کند، می‌شناسید؟ مدیر سالن نگاهی به مرد کرد و گفت: خیر. آقا! مرد انگلیسی بار دیگر سرش را به علامت تأسف تکان داد و گفت: لطفا صاحب رستوران را به من معرفی کنید. چند دقیقه بعد صاحب رستوران نزد مرد انگلیسی آمد و گفت: با بنده امری داشتید؟ مرد انگلیسی گفت: شما آن آقا را که آنجا کنار بخاری نشسته و سیگارش تمام شده و از پنجره به بیرون نگاه می‌کند، می‌شناسید؟ صاحب رستوران نگاهی به مرد کنار پنجره کرد و گفت: بله! ایشان از مشتری‌های قدیمی رستوران ما هستند که مدت‌است به علت رعایت پروتکل‌های بهداشتی و فاصله‌گذاری اجتماعی از خانه بیرون نیامده بودند. وی افزود: با ایشان کاری داشتید؟ مرد انگلیسی گفت: بله. ممنون می‌شوم به ایشان اطلاع دهید وقتی داشتند سیگارشان را روشن می‌کردند یک جرقه از آن روی پالتویشان افتاد و آن را سوزاند و هنوز هم همانجا و مشغول سوزاندن بقیه‌ها تا التوست. صاحب رستوران بلافاصله کیسول آتش‌نشانی را از روی دیوار برداشت و به طرف مرد کنار پنجره دوید. مرد انگلیسی در پایان افزود: مصرف دخانیات عامل اصلی سرطان است. در این لحظه سفارش مرد انگلیسی نیز رسید و وی عصبانی را که قورت داده بود بیرون آورد و به صرف غذا مشغول شد. از سرنوشت مرد کنار پنجره تا این لحظه خبری مخابره نشده است.

**انصراف هایکینز از سری جدید «سکوت بره‌ها»**



نام هانیبال تا چند روز دیگر روی پرده سینماها می‌رود. (صفحه ۳)

**بوش جواب باراک را نداد**

جورج دبلیو بوش، رئیس‌جمهور آمریکا از گفت‌وگوی تلفنی با ایهود باراک، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی خودداری کرد. باراک برای تشریح گفت‌وگوهای جاری با تشکیلات خودگردان در طابای مصر با دفتر رئیس‌جمهور آمریکا تماس تلفنی گرفت اما بوش از منشی خود خواست ارتباط باراک را با دفتر کالین پاول، وزیر خارجه برقرار کند. رادیو رژیم صهیونیستی با اعلام این خبر گفت: رئیس‌جمهور جدید آمریکا تمایلی به دخالت مستقیم در گفت‌وگوهای اسرائیل و تشکیلات خودگردان ندارد و نمی‌خواهد وی را طرفدار اسرائیل معرفی کند. (صفحه ۱۳)

**رئیس‌جمهور سوریه در راه ایران**

بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه امروز برای اولین بار پس از احراز پست ریاست‌جمهوری در راس هیاتی بلندپایه وارد تهران می‌شود. بشار اسد در این سفر که به مدت دو روز ادامه خواهد یافت با مقامات بلندپایه ایران در مورد آخرین تحولات منطقه و راه‌های گسترش روابط دوجانبه گفت‌وگو خواهد کرد. محی‌الدین مسلمانی، رئیس‌تشریفات ریاست‌جمهوری و جبران کوریه، سخنگوی کاخ ریاست‌جمهوری سوریه برای تهیه مقدمات این سفر، روز گذشته وارد ایران شدند. (صفحه یک)



او می‌گوید: به عشق مردم این بار هم روی تشک می‌روم و دوست دارم با قهرمانی در جام تختی در مشهد مردم را خوشحال کنم. این کشتی‌گیر تا چند روز دیگر تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه شهید بهشتی را آغاز می‌کند. (صفحه ۱۵)

**بدهی میلیاردری شهرداری تهران به مردم**

سید محمود علیزاده طباطبایی، عضو شورای شهر تهران گفت: شهرداری تهران ۴۰۰۰ میلیارد ریال به مردم بدهکار است. وی افزود: بحرانی که در سال ۷۶ در مدیریت شهرداری تهران ایجاد شد موجب کاهش فعالیت‌های شهرداری و در نتیجه افت درآمد این نهاد شد. با گذشت ۱۰ ماه از فعالیت جدید شهرداری تهران حدود ۳۰۰۰ میلیارد ریال درآمد برای شهرداری تهران وصول شده است. فروش ناکافی املاک شهرداری تهران که بالغ بر ۷۴۸ میلیارد ریال است علت عدم وصول درآمد پیش‌بینی شده شهرداری تهران است. (صفحه ۲)